

گفتار پایی در

ادب حماسی ایران

در چند دهه اخیر، بیشترین و مهم‌ترین تحقیقات شاهنامه‌شناختی، برخلاف ادوار گذشته، از آن خود ایرانیان بوده است، که از این میان می‌توان به کار سنگین تصحیح شاهنامه از دکتر خالقی مطلق و نیز مقاله‌های عالمانه و درخشان دکتر بهمن سرکاراتی اشاره کرد. در این مقاله، قصد نگارنده بر آن است که دو مجموعه مقاله از دکتر سجاد آیدنلو به اجمال معرفی گردد.

الف. از اسطوره تا حماسه: هفت گفتار در شاهنامه پژوهی

این مجموعه شامل عناوین ذیل است: یادداشت مؤلف، مقدمه دکتر ریاحی، ارتباط اسطوره و حماسه بر پایه شاهنامه و منابع ایرانی، فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش، نشانه‌های سرشت اساطیری افراسیاب در شاهنامه، نوشدارو چیست؟، اسب دریایی در داستان‌های پهلوانی، جام کیخسرو و جمشید، ترنج بویا و به زرین، فهرست منابع مقالات.

دکتر آیدنلو در مقاله اول، بعد از تعاریفی از اسطوره و حماسه، ارتباط آن دو را با هم در ده موضوع (محدودیت زمانی، حد مکانی، کاهش صیغه قدسی و مینوی و ...) تشریح نموده است.

در مقاله بعدی، پس از گزارش مختصری از داستان سیاوش و بررسی نظریات دکتر خالقی و دکتر دوستخواه در این زمینه، مادر سیاوش را پری، در مفهوم باستانی و پیش از زردشت، دانسته و سپس به همانندی‌ها و ویژگی‌های مشترک بین پریان و مادر سیاوش پرداخته است. اخیراً خانم دکتر بهار مختاریان (ر. ک به: مختاریان ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۷۹) نیز مقاله‌ای درباره مادر سیاوش منتشر نموده‌اند که باید گفت تکرار نظریات دکتر خالقی (ر. ک به: خالقی مطلق ۱۳۷۲: ۵۳-۹۸) و دکتر سرکاراتی (ر. ک به: سرکاراتی ۱۳۸۵: ۱-۲۶) به صورت مبسوط و شاخ و برگ‌دار است و دربردارنده هیچ نظر جدیدی نیست.

معرفی دو مجموعه مقاله از دکتر سجاد آیدنلو

سالار رضا زاده *



* از اسطوره تا حماسه: هفت گفتار در شاهنامه پژوهی^۱
* دکتر سجاد آیدنلو، با مقدمه دکتر محمدمبین ریاحی.
* چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.



* نارسیده ترنج: بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران.
* دکتر سجاد آیدنلو، با مقدمه دکتر جلال خالقی مطلق.
* چاپ اول، اصفهان: نقش مانا، ۱۳۸۶.

افراسیاب، در روند دگرگونی شخصیت و جابه‌جایی اساطیر، به شاه یل تورانی تبدیل شده و سپس به صورت پهلوانی ترک و بوده‌ای تاریخی درآمده است. مؤلف در مقاله سوم به سرشت نخستین و اساطیری افراسیاب در شاهنامه و برخی از منابع ادبی و تاریخی دیگر پرداخته است.

نویسنده در مقاله بعدی به همانندی‌ها و ارتباط نوشدارو با هوم اوستایی و سوم ودایی، ارتباط نوشدارو با درخت، گیاه و درمان بخشی آنها در گذشته پرداخته و مقاله با بررسی کارکرد نوشدارو در سایر متون حماسی و غیرحماسی ایران پایان یافته است.

در مقاله بعدی، به مضمون اسب دریایی در شاهنامه^۲، سایر متون حماسی، منابع غیرداستانی ایرانی، روایات دینی اسلامی و نیز به ارتباط اسب با رود و دریا پرداخته است.

در مقاله ششم، موضوع جام گیتی‌نما در اساطیر ایرانی و غیرایرانی، تأثیر مضامین و شخصیت‌های تورانی و یهودی در تکوین سنت حماسی ایران و احتمال اینکه جام جهان‌نما از گروه اسرائیلیاتی است که شاید در دوره اشکانی وارد روایات ایرانی شده، بررسی گردیده است و سپس در ادامه، با اشاراتی به جام کیخسرو در سایر متون ادبی، شواهدی داده شده که انتساب جام ویژه کیخسرو به جمشید پس از شاهنامه، انتقالی است که در خارج از عرصه اسطوره و حماسه روی داده است.

دکتر آیدنلو در مقاله آخر مجموعه، به کارکرد ترنج بویا و به زرین در شاهنامه و سایر متون ادبی و نیز تاریخ باستانی ایران پرداخته و بیان نموده است که بهره‌گیری از ترنج بویا یا به زرین و سیمین، برای معطر کردن مجالس، خوشبو کردن و... در واقع عملی آیینی به شمار می‌رفته است.

ب. نارسیده ترنج: بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران

در مقاله نخست این کتاب، با عنوان «تأملاتی در منبع و شیوه کار فردوسی»، نویسنده به استناد چند قرینه متنی و عقلی - منطقی، این حدس را پیش کشیده که به احتمال بسیار، فردوسی غیر از شاهنامه ابومنصوری، از منبع یا منابع دیگر استفاده کرده است. در بخش دیگری از این گفتار و باز بر پایه چند قرینه و دلیل، این نکته مطرح شده است که در شیوه کار فردوسی، امانتداری او در نظم، به معنای پیروی بی‌چون و چرا از مأخذ منثور خویش نبوده و احتمالاً فردوسی استقلال عمل و اختیارات شاعرانه خویش را با تغییر در جزئیات و حذف برخی از داستان‌ها حذف کرده است.

در مقاله «این بیت از فردوسی نیست» نشان داده شده است که بیت معروف:

زن و ازدها، هر دو در خاک به
جهان پاک از این هر دو ناپاک به

به‌رغم اشتهار به نام فردوسی در میان عموم مردم، به استناد اصول علمی تصحیح شاهنامه، از فردوسی نیست و احتمالاً از یکی از نسخه‌های گرشاسپ‌نامه اسدی توسی در نسخ و چاپ‌های متأخر شاهنامه وارد شده است.

در مقاله «ابیاتی محذوف از شاهنامه»، با استناد به بخش‌هایی از ترجمه عربی بنداری، این گمان مطرح شده است که احتمالاً در تدوین نخست شاهنامه، ابیاتی درباره سلطان محمود وجود داشته که در تدوین دوم، بنا بر دلایل و مصالحی، از سوی فردوسی کنار گذاشته شده است و امروز متن اصلی این بیت‌ها در هیچ یک از دستنویس‌های معتبر شاهنامه، که احتمالاً مادر نسخه آنها بر اساس تدوین دوم شاهنامه بوده است، دیده نمی‌شود و تنها برگردان عربی آنها در اثر بنداری به دست ما رسیده است.

مقاله کوتاه «واژه‌های فراموش شده از شاهنامه در فرهنگ‌ها» بحثی است درباره واژه «یازگار»، به معنای کاغذ، در بیتی از شاهنامه که در هیچ‌یک از فرهنگ‌های عمومی و تخصصی فارسی ثبت نشده است. پس از چاپ اصل این مقاله در ویژه‌نامه فرهنگ‌نویسی نامه فرهنگستان، دکتر علی‌اشرف صادقی و آقای ابوالفضل خطیبی نیز نظریات خود را درباره این واژه و ضبط آن در متن انتقادی شاهنامه مطرح کردند (صادقی ۱۳۸۶: ۲۹؛ خطیبی ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۸۹).

در مقاله «نمایه اساطیری رویدن گیاه از انسان و بازتاب آن در شاهنامه و ادب پارسی»، به طور تقریباً جامع و دقیق، رویدن گیاه از انسان در اساطیر و اعتقادات ملل مختلف و نیز ارتباط آن با توتیمسم بررسی شده، سپس مقاله در چند قسمت به موضوعات رویدن گیاه از اشک چشم، رویدن گیاه از خون، رستن گل سرخ از عرق پیامبر، رویش گیاه از خاک گور، رویدن گیاه از اندام‌ها و متعلقات انسان در شاهنامه و ادب پارسی پرداخته است.

در مقاله «نخستین سند ادبی ارتباط آذربایجان و شاهنامه»، به مسئله اولین شاعر پارسی‌گوی آذربایجان که اشعارش به دست ما رسیده است، یعنی قطران تبریزی، اشاره شده و با بررسی مضامین اساطیری - حماسی شاهنامه در اشعار قطران، چنین نتیجه‌گیری شده است که احتمالاً نسخی از شاهنامه فردوسی، خیلی زود در سراسر ایران و به تبع آن، در آذربایجان پخش شده و به احتمال قوی، قطران به نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی دسترسی داشته است.

در مقاله «اصفهان و شاهنامه» نحوه حضور و نمود شهر اصفهان در شاهنامه و سایر متون حماسی بررسی شده و در ادامه، به تحقیقات شاهنامه‌شناختی در اصفهان، از معجم شاهنامه، تألیف علوی توسی (قرن ۶) و ترجمه شاهنامه بنداری (قرن ۷) تا تصحیح شاهنامه مهندس جیحونی و همایش‌های بزرگداشت فردوسی و شاهنامه در اصفهان پرداخته، که در نوع خود مقاله بسیار جالبی است.

در مقاله «مقدمه شاهنامه، نسخه بریتانیا / لندن ۶۷۵»، نخست عین متن مقدمه را با ذکر اختلافات گزارش اول آن با سه نسخه قاهره، توپقاپوسرای و استساخ دکتر بیانی آورده است و چون برای اولین بار بوده، هیچ تغییر و تصحیحی در متن آن اعمال نکرده است؛ سپس به تحلیل مطالب این مقدمه و طرح این فرضیه که احتمالاً مقدمه پس از متن نسخه بریتانیا بر آن افزوده شده، پرداخته است. در مقاله «معجم شاهنامه و نکته‌هایی در شاهنامه‌شناسی»، به تألیف معجم شاهنامه علوی توسی بر اساس شاهنامه‌ای نوشته‌شده به نام ملک‌مؤید آی‌ابه، با وجود وضعیت شاهنامه‌گریز دوران حکومت‌های غزنوی و سلجوقی در ایران اشاره شده است. سپس مؤلف بنا به دلایلی (ص ۲۰۲)، تدوین معجم شاهنامه را در اصفهان دانسته است. سپس بر پایه معجم شاهنامه، به ویژه مقدمه آن، به مواردی اشاره کرده که عبارت است از: کاسته شدن از مجلدات شاهنامه به هنگام استساخ با دور شدن از روزگار فردوسی، کلی و تقریبی بودن رقم ۶ هزار بیت بودن شمار بیت‌های شاهنامه و اهمیت معجم شاهنامه در تصحیح شاهنامه.

مقاله «تندم فردوسی‌وار (فردوسی و شاهنامه در مرزبان‌نامه)» درباره عبارتی از مقدمه مرزبان‌نامه است که در آن به موضوع تندم فردوسی اشاره شده و نویسنده چپستی این پشیمانی را از ابعاد گوناگون بررسی کرده است. در ادامه، ابیاتی از شاهنامه که در مرزبان‌نامه آمده، گردآوری و ضبط‌های آن با متن و نسخه‌بدل‌های شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق و چاپ مسکو، مقایسه شده است.

در مقاله «شاهنامه در سفینه تبریز»، پس از مقدماتی درباره وضعیت علمی درخشان تبریز در عصر ایلخانی، به بررسی ابیات شاهنامه در سفینه تبریز، اهمیت شاهنامه مورد استفاده در سفینه در تحقیق وی تصحیح شاهنامه، مشخص کردن تعداد ضبط‌های منحصر به فرد ابیات منقول از شاهنامه در سفینه، تطبیق برخی از ابیات با چندین نسخه شاهنامه و مشخص کردن بیت‌های الحاقی شاهنامه در سفینه تبریز، مشخص نمودن بیت‌های افتاده شاهنامه در سفینه، همخوانی با نسخ واتیکان و قاهره پرداخته شده و در ادامه، به هم خوردن ترتیب عمودی ابیات شاهنامه در سفینه بررسی شده و سپس ابیات تکراری، بیت‌های جابه‌جاشده و تلفیق‌های بیت در بیت را آورده، مباحثی نیز درباره تهمنه یا تهمیمه و تلفظ واژه «سوار» پیش کشیده است. در پایان هم نسخه اساس کار ابوالمجد تبریزی را از نظر تأیید ضبط‌های واحد و همسانی در افتادگی‌ها، با احتیاط، متمایل به نسخه‌های فلورانس، قاهره و واتیکان دانسته است.

در مقاله «شاهنامه‌ای‌ترین شعر غنایی»، بعد از اشاره به مراسم خاص سخنوری که از دوره صفویه تا حدود ۱۳۰۰ ه. ق.

رایج بوده است، تلمیحات شاهنامه‌ای (اشارات مربوط به متن شاهنامه، تلمیحات مرتبط با ادب حماسی و توجهات مبتنی بر روایات نقلی و مردمی از داستان‌های شاهنامه) مسمطی از شکوهی را که دکتر محجوب چاپ کرده (ص ۲۵۶)، بررسی کرده است.

در مقاله «نکته‌هایی درباره تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی»، تلمیحات حماسی - اساطیری از آثار خاقانی، شامل دیوان اشعار، مثنوی تحفه العراقین و منشآت را استخراج و تقریباً می‌توان گفت به طور دقیق بررسی نموده و سپس برای روشن کردن علت این فراوانی تلمیحات در آثار خاقانی، وارد بحث در چگونگی کاربرد عناصر شاهنامه‌ای و تحقیق در محیط اجتماعی و زندگی شاعر شده است.

در مقاله «نادرتین تلمیحات حماسی - اساطیری در شعر پارسی»، به تلمیحات حماسی - اساطیری در اشعاری پرداخته است که به قول خود محقق، نادر می‌باشند. در این مقاله، غازان‌نامه نوری از جهت دارا بودن اشاراتی به مهرپرستی، حماسه آشیل و چگونگی ورود حماسه آشیل از اثر هومر به آذربایجان قرن هشتم، مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله «هماندیابی دو تمثیل مثنوی در ادب حماسی»، به حکایت شیر و نخچیران در دفتر اول مثنوی مولوی و هماندی آن با تمثیلی در بهمن‌نامه اشاره کرده و تمثیل مارگیر و اژدهای فسرده در دفتر سوم مثنوی را با داستانی از کوش‌نامه مطابقت داده و در پایان به مسئله و منابع مولوی در آشنایی وی با

در مقاله

«مهین دخت، بانو گشسپ سوار»،

مؤلف توضیحاتی درباره جایگاه زن و

پهلوان بانوان در تاریخ قدیمی ایران،

به ویژه در اساطیر ایرانی، آورده و

سپس به تحلیل بانو گشسپ‌نامه،

پرداخته است. بحثی نیز در باب ارتباط

بانو گشسپ‌نامه و فرامرزنامه مطرح

نموده و بر اساس قراین، برخلاف نظر

ژول مول و مصحح، منظومه را متعلق

به اواخر سده ششم دانسته است

به مقاله «مهین دخت بانو گشسپ سوار»
نکته‌هایی در شاهنامه‌شناسی
در باره حکایت شیر و نخچیران
هماندیابی دو تمثیل مثنوی در ادب حماسی
توضیحاتی درباره جایگاه زن و پهلوان بانوان در تاریخ قدیمی ایران
به ویژه در اساطیر ایرانی
تحلیل بانو گشسپ‌نامه
ارتباط بانو گشسپ‌نامه و فرامرزنامه
برخلاف نظر ژول مول و مصحح، منظومه را متعلق به اواخر سده ششم دانسته است

داستان‌های حماسی اشاره کرده است.

در آخرین مقاله تحلیلی این مجموعه، با عنوان «خویشکاری مشترک نی در بندھشن و مقدمه مثنوی»، ضمن اشاره به تعبیر نمادین نی در مقدمه معروف مثنوی، که همگی به نوعی با مفهوم انسان کامل و مینوی و متعلقات او مرتبط است، به روایت اساطیری زادن فریدون و نقش نی در انتقال فرّ او به این جهان اشاره و این فرضیه مطرح شده است که گیاه نی در دو حوزه اسطوره (حماسه) و عرفان، خویشکاری مشترکی را در پیوند با انسان کامل این هر دو حوزه ایفا می‌کند.

مقاله نقدی اول، با عنوان «از میراث ادبی حماسی ایران» درباره کوشش‌نامه، به تصحیح استاد دکتر جلال متینی است. مؤلف در این مقاله، درباره سراینده داستان، نام قهرمان منظومه، پیشینه داستانی کوش و منبع منظومه، ویژگی‌های منظومه، نسخه و شیوه تصحیح منظومه مطالبی را بیان نموده و مقاله با پیشنهادهای عالمانه مؤلف درباره برخی از ضبط‌های منظومه به پایان رسیده است.

در مقاله «بررسی فرامرزنانه»، به بررسی فرامرز در متون ادبی حماسی، بحث درباره مادر فرامرز، نسخ فرامرزنانه، بررسی و تحلیل داستان فرامرز، مشابهات فرامرزنانه و یا به عبارت دیگر، وجود یک الگوی مشترک در سنت حماسی ایران، و منابع فرامرزنانه پرداخته و با این نظر که فرامرزنانه منظوم موجود، همان منظومه مذکور در مجمل‌التواریخ است، مخالفت ورزیده، با ارائه قرائتی (صص ۳۹۴-۳۹۶)، آن را مربوط به پس از سده‌های پنجم و ششم دانسته است. این مقاله نقد، با معرفی کامل فرامرزنانه، تصحیح آقای مجید سرمدی، به همراه یادآوری نکاتی (ص ۳۹۹) و ارائه پیشنهادهایی در تصحیح بیت‌ها، به پایان رسیده است.

در دیگر مقاله نقد، با عنوان «مهین دخت، بانوگشسپ‌سوار»، دکتر آیدنلو توضیحاتی درباره جایگاه زن و پهلوان بانوان در تاریخ قدیمی ایران، به ویژه در اساطیر ایرانی، آورده و سپس به تحلیل بانوگشسپ‌نامه، تصحیح خانم دکتر روح انگیز کراچی، پرداخته است. بحثی نیز در باب ارتباط بانوگشسپ‌نامه و فرامرزنانه مطرح نموده و بر اساس قرائن (صص ۴۱۷-۴۱۸)، برخلاف نظر ژول مول و مصحح، منظومه را متعلق به اواخر سده ششم دانسته است. سپس با ذکر تفاوت بانوگشسپ‌نامه با سایر متون حماسی، معرفی کامل مجموعه بانوگشسپ‌نامه و اشاره به ارزش کار این بانوی محقق، به نقد چند نکته پرداخته و پیشنهادهایی در باب ضبط‌های متن مطرح کرده است.

مقاله «رمانس همای‌نامه» درباره همای‌نامه، به تصحیح آقای محمد روشن است. دکتر آیدنلو در چند قسمت نکته‌هایی درباره ناظم و منظومه، درباره فرم/ شکل منظومه، برخی از نکات

داستان، نسخه همای‌نامه مطرح کرده و بالاخره مقاله با طرح پیشنهادهایی در باب ضبط‌های متن و نیز معنی‌شناسی ابیات به پایان رسیده است.

در بخش پایانی کتاب، افزوده‌ها، اصلاحات و تغییرات لازم در برخی از مقاله‌های مجموعه، با ذکر نام مقاله مربوط آورده شده است.

بی‌گمان، مجموعه مقالات آقای دکتر سجاد آیدنلو در باب ادب حماسی ایران را می‌توان گره‌گشای بسیاری از مسائل ادب حماسی و نیز سایر متون فارسی دانست؛ از این رو، مطالعه این مجموعه مقالات برای همه دانشجویان و استادان ادب فارسی و نیز محققان فرهنگ ایران باستان توصیه می‌شود.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه ارومیه.

۱. طبق اطلاع نگارنده، این مجموعه قبلاً در نشریات داخل کشور دو بار معرفی شده است: - هدایتی، زهره. «تازه‌های ایران‌شناسی». نامه ایران باستان، مجله بین‌المللی مطالعات ایرانی، شماره ۱۱-۱۲ سال ۱۳۸۷، صص: ۸۶-۸۸؛ - رحیم‌پور، مهدی. «گفتارهایی در شاهنامه‌پژوهی». جهان‌کتاب، سال ۱۲، ش ۵ و ۶ (پیاپی ۲۲۰-۲۲۱)، شهریور و مهر ۱۳۸۶، صص: ۲۰-۲۱.

۲. زنده‌یاد دکتر علی‌رضا شاپور شهبازی اسبی را که از چشمه سو بیرون می‌آید و یزدگرد بزه‌گر را می‌کشد، میترا (مهر) دانسته است. رک به: Shapur Shahbazi ۲۰۰۳: ۳۵۵-۳۶۲.

کتابنامه

- ابوالفضل خطیبی، «یازگار یا یادگار». فرهنگ‌نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره اول، دی ۱۳۸۶.

- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۷۲، «یکی داستان پر آب چشم».

- گل‌رنج‌های کهن. به کوشش علی دهباشی. تهران: نشر مرکز.

- سرکاراتی، بهمن، ۱۳۸۵، «پری تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی». سایه‌های شکارشده. تهران: طهوری.

- صادقی، علی‌اشرف. «درباره یازگار». فرهنگ‌نویسی، ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره اول، دی ۱۳۸۶.

- مختاریان، بهار. «تهمینه کیست؟». نامه فرهنگستان، دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶، (شماره پیاپی ۳۵).

- Shapur Shahbazi. A. «The horse that killed Yazdgerd (the sinner)». PAITIMANA, Essays in Iranian, Indo-European and Indian studies in honor of Hanns-Peter Schmidt, vol 1, 2, Edited by Siamak Adhami, Mazda Publisher, Inc, Costa Mesa, California.